

بررسی ساختار ژانری مقالات دانشنامه‌گی تخصصی: مقایسه مقالات زندگینامه‌ای و مقالات موضوعی

محمدعلی سلمانی ندوشن*

دانشیار بنیاد دانشنامه نگاری ایران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۳۱، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۸/۳۰، تاریخ چاپ: دی ۱۳۹۶)

چکیده

پژوهش حاضر به منظور تحلیل ژانری و استخراج حرکات و گام‌های ساختاری حاکم بر این‌گونه مداخل به منظور آشناسازی متخصصان ایرانی دخیل در امر دانشنامه‌نگاری صورت گرفت. در مجموع ۲۴۰ مدخل از دانشنامه تخصصی ادبیات جهان میریام وبستر (۱۹۹۵) به صورت تصادفی انتخاب شد که از این میان ۱۲۰ مدخل زندگینامه‌ای و ۱۲۰ مدخل موضوعی بودند. از نرم‌افزار اتموور (اتونی، ۲۰۰۳) و نیز کدگذاری دستی، برای استخراج حرکات و گام‌های ساختاری موجود در این مداخل استفاده شد. از چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و ایسون (۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) نیز به منظور مشخص کردن انواع حرکات ساختاری (یعنی حرکات اجباری، حرکات اختیاری و حرکات معمول) در ژانر دانشنامه‌گی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساختار ژانری مداخل موضوعی، با ساختار ژانری مداخل زندگینامه‌ای، تفاوت‌های مشخصی دارد. در این مقاله، یافته‌های پژوهش حاضر، به منظور بهره‌برداری پژوهشگران ایرانی عرضه شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل ژانر، تحلیل حرکات ساختاری، مقالات دانشنامه‌گی، حرکات ساختاری، گام‌های ساختاری.

۱- مقدمه

واژه ژانر ناظر بر ویژگی‌های مشترکی است که ملاک دسته‌بندی اشکال گوناگون بیان ادبی و هنری (و نیز آن‌گونه که در این مقاله خواهیم دید، بیان دانشگاهی) است. همه انواع بیان که یک ژانر خاص و واحد تلقی شوند (خواه گفتاری باشند یا نوشتاری یا دیداری یا الکترونیک)، همگی بر تعریف پایه‌ای منطبق هستند که آن ژانر خاص را می‌سازد (دویت، ۲۰۰۴). مثلاً همه رمان‌ها بر تعریف زیربنایی رمان منطبق هستند. باید در نظر داشت که وقتی از ژانر صحبت به میان می‌آید، معمولاً با یکی از دو نوع کلی بیان سر و کار داریم: روایت و توصیف (اسمیث، ۲۰۰۳). در برخی از متون ادبی و هنری، همچون رمان و داستان و فیلم سینمایی و تئاتر، نوع ژانر مورد استفاده، ژانر روایی است که در آن، صور خیال و تصویرپردازی و تخیل‌پردازی نیز وجود دارد. در متون تخصصی دانشگاهی، نوع ژانر مورد استفاده ژانر توصیفی است که خود ممکن است شامل تعاریف و مباحث و غیره باشد (اسمیث، ۲۰۰۳). در ژانر توصیفی، ممکن است نویسنده ژانر را به چندین زیر ژانر (یا سوژانر) تقسیم کند؛ مثلاً ژانر مقاله علمی-پژوهشی، مشتمل بر سوژانرهایی همچون چکیده، مقدمه و غیره است. از دیدگاه صرف زبان فارسی، واژه ژانر اسم است و واژه ژانری صفتی است که از آن مشتق می‌شود.

یکی از انواع ژانرهای توصیفی، ژانر دانشنامه‌گی است. دانشنامه کتاب مرجعی است که دانش موجود بشری به‌طور خلاصه در آن گردآوری شده و در اختیار مخاطب قرار گرفته است (بیجونت، ۲۰۰۰). اگر دانش موجود از همه شاخه‌های علم و حوزه‌های عمومی زندگی در یک دانشنامه گردآوری شود، آن دانشنامه را عمومی تلقی می‌کنیم؛ اگر کل محتوای یک دانشنامه، صرفاً مشتمل بر دانش تخصصی مربوط به یک رشته خاص و مشخص از علم باشد، آن دانشنامه را دانشنامه تخصصی محسوب می‌کنیم (بیجونت، ۲۰۰۰). همانند فرهنگ لغت، محتوای هر دانشنامه نیز به صورت مداخل مختلف تهیه می‌شود و در دانشنامه، به صورت الفبایی قرار می‌گیرند. هر مدخل، با یک واژه یا عبارت شروع می‌شود که به آن سرواژه می‌گوییم. به دنبال سرواژه، دانش مربوط به آن به صورت مختصر، عرضه می‌شود (بیجونت، ۲۰۰۰). بنابراین، یک مدخل دانشنامه‌گی عبارت است از سرواژه و آنچه در مورد سرواژه گفته می‌شود. نگارش مداخل دانشنامه‌گی نیز مانند هر نگارش دیگری بر قواعد و اصول پایه‌ای استوار است و از همین روست که مداخل دانشنامه‌گی، ژانر خاص خود را دارند.

آشنایی با ژانر دانشنامه‌گی و اصول ژانری نگارش مداخل دانشنامه‌گی تخصصی، می‌تواند کمک شایانی به پژوهشگران ایرانی حوزه دانشنامه‌نگاری بکند؛ بنابراین، مقاله حاضر، سعی

دارد با تحلیل ژانری مداخل دانشنامه‌ی، یافته‌های خود را در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار دهد. هرچند تحلیل ژانر و تحلیل حرکات ساختاری ژانرهای مختلف نگارش دانشگاهی و تخصصی در سایر کشورهای جهان، موضوع جدیدی نیست و حداقل از دهه‌ی نود قرن بیستم میلادی تا به امروز، پژوهش‌های مختلفی در این حوزه صورت گرفته است، اما این حوزه از زمینه‌هایی است که در کشور ما، پژوهش‌چندانی در آن به انجام نرسیده است. تا آنجا که این نگارنده مطلع است، برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه عبارت‌اند از: سلمانی ندوشن (۲۰۱۱ و ۲۰۱۲)، سلمانی ندوشن و خاکباز (۲۰۱۱)، سلمانی ندوشن و منتظران (۲۰۱۲). از طرف دیگر، معدود پژوهش‌های موجود نیز غالباً در رشته‌ی آموزش زبان انگلیسی صورت گرفته است و نتایج آن‌ها نیز به زبان انگلیسی منتشر شده است. تا آنجا که نویسنده حاضر مطلع است، تاکنون نتایج هیچ پژوهشی در خصوص ویژگی‌های ژانری و حرکات و گام‌های ساختاری ژانرها و سوژانرهای متون تخصصی مختلف به زبان فارسی منتشر نشده است. با توجه به اینکه ما در دنیای زندگی می‌کنیم که در آن، ارتباطات بین فرهنگی و بین زبانی، با سرعت زیاد در حال گسترش است، تسلط بر تحلیل ژانر و تحلیل حرکات ساختاری در نگارش تخصصی دانشگاهی می‌تواند پژوهشگران ایرانی را در وضعیت بهتری قرار دهد. با توجه به اینکه زبان انگلیسی زبان میانجی علم در جهان است، چنانچه ساختار ژانری انواع نگارش دانشگاهی زبان انگلیسی تحلیل و نتایج آن به زبان فارسی منتشر شود، متخصصان ایرانی می‌توانند این ساختارهای ژانری را در نگارش متون تخصصی فارسی خویش نیز به‌کار گیرند و این موضوع می‌تواند نگارش تخصصی دانشگاهی به زبان فارسی را نیز به استانداردهای زبان جهانی علم نزدیک کند. علاوه بر آن، به‌مرور تجربه و تسلط متخصصان ایرانی بر این ساختارها افزایش می‌یابد و می‌توانند در نگارش انگلیسی خویش نیز از آن‌ها استفاده کنند. این امر برای مثال پذیرش مقالات آن‌ها در مجلات معتبر جهانی را تسهیل می‌کند و می‌تواند رتبه‌ی تولید علم کشور در جهان را ارتقاء دهد. به همین دلیل، ضروری است پژوهش‌های بیشتری به موضوع تحلیل ژانر و تحلیل حرکات ساختاری در نگارش دانشگاهی بپردازند. با همین انگیزه، پژوهش حاضر به تحلیل مقالات دانشنامه‌ی اقدام و ساختار ژانری این‌گونه مقالات را استخراج کرده است. هدف این مقاله آن است که نویسندگان فارسی‌زبان را با ساختار ژانری مقالات دانشنامه‌ی و انواع این مقالات آشنا سازد و آن‌ها را در امر نگارش این‌گونه مقالات یاری کند.

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه تاریخیچه تحلیل ژانر نشان‌دهنده سه رویکرد متفاوت است که گاه همپوشانی‌هایی نیز دارند:

- ۱) سنت امریکایی: در این سنت، ژانر در تحلیل گفتمان به کار گرفته می‌شود و مبنای آن نیز نگاه فلاسفه یونان باستان به تحلیل گفتمان و ژانر است (میلر، ۱۹۸۴).
 - ۲) سنت استرالیایی: این سنت وامدار زبان‌شناسی نظام بنیاد نقش‌گرای مایکل هلیدی است و گفتمان را در چارچوب نقش‌های زبان تحلیل می‌کند (هلیدی، ۱۹۹۴).
 - ۳) سنت بریتانیایی: این رویکرد که سویلز (۱۹۹۰) ابداع‌کننده آن بوده است، به‌طور خاص، به تحلیل گفتمان تخصصی (مثلاً متون گفتاری و نوشتاری دانشگاهی) به منظور تدوین برنامه‌ها و متونی می‌پردازد که بتوان از آن‌ها در آموزش زبان آموزانی استفاده کرد که زبان را برای اهداف ویژه‌ای فرا می‌گیرند (مثلاً انگلیسی با اهداف ویژه). مقاله حاضر نیز در همین حوزه قرار می‌گیرد.
- در سنت بریتانیایی، تعریف واژه ژانر با تعریف آورده‌شده در مقدمه این مقاله تفاوت دارد. در این سنت، ژانر به مجموعه‌ای از تعاملات ارتباطی اطلاق می‌شود که همه اعضای یک رشته تخصصی یا گرایش تخصصی، آن را می‌دانند و در تعاملات ارتباطی تخصصی نوشتاری مانند نگارش مقالات علمی و گفتاری چون سخنرانی‌های علمی خود، به‌کار می‌بندند (سویلز، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴؛ یانگ و الیسون، ۲۰۰۳؛ راسمینین، ۲۰۰۶؛ باتیا و سلمانی ندوشن، ۲۰۱۵). در واقع ژانر به‌مثابه سکانشی از سوژانرها، حرکات ساختاری و گام‌های گفتمانی، برای انتقال دانش به‌طور رسمی، در همه تعاملات ارتباطی بین اعضای هر رشته یا گرایش تخصصی استفاده می‌شود. نگاهی به مطالعاتی که بر موضوع تحلیل ژانر متمرکز بوده‌اند یافته‌های زیر را نشان می‌دهد:
- ارتباط از هر نوعی که باشد (خواه گفتاری یا نوشتاری یا دیداری یا الکترونیک)، نظام‌مند است.
 - قوانین و قواعد ارتباط هر رشته‌ای با رشته دیگر متفاوت و به رشته تخصصی وابسته است (مانند آنچه در سبک‌های مختلف نگارش از جمله ام. ال. ای، سی. بی. پی، شیگاکو، ای. پی. ای و غیره دیده می‌شود).
 - قواعد و قوانین ارتباط بر مبنای اهداف ارتباط تبیین می‌شود و با مرور زمان و گسترش کاربرد، جنبه رسمی و پیش فرض (دیفالت) به خود می‌گیرد.

به این ترتیب، تحلیل ژانر به تجزیه و تحلیل متون و مستندات مکتوب یا دیداری یا شنیداری یا الکترونیک موجود در پیشینه هر رشته علمی، برای استخراج و مکتوب‌سازی قوانین و قواعد دیفالت آن رشته علمی اطلاق می‌شود (هایلند، ۱۹۹۶؛ سویلز و فیک، ۱۹۹۴؛ باتیا و سلمانی ندوشن، ۲۰۱۵). هدف از تحلیل ژانر، تدوین آثاری است که دسترسی عموم متخصصان و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی هر رشته به قوانین و قواعد ارتباط علمی در آن رشته را میسر می‌سازد.

در سنت بریتانیایی تحلیل ژانر، در مرحله نخست، متخصص دانشگاهی، بانکی از مستندات را از پیشینه موجود در رشته تخصصی خود تهیه می‌کند که به آن پیکره می‌گویند؛ در مرحله دوم، با به‌کارگیری روش‌های استاندارد حاکم بر تحلیل ژانر، به تحلیل آن مستندات می‌پردازد. هدف از این امر، استخراج حرکت‌های کلامی (رتوریکی) و ساختاری موجود در متون و مستندات انتخاب‌شده و نیز تعیین گام یا گام‌های سازنده هر حرکت است (هایلند، ۱۹۹۶؛ سویلز، ۱۹۹۰؛ باتیا و سلمانی ندوشن، ۲۰۱۵)؛ در مرحله سوم، با توجه به بسامد کاربرد حرکت‌ها و گام‌ها، آن‌ها را در دسته‌های اجباری، قراردادی (یا رایج) و اختیاری تقسیم‌بندی می‌کند. در آخرین مرحله، ممکن است پژوهشگر تحلیل ژانر، بخواهد به نگارش اثری اقدام کند که مخاطبان رشته تخصصی مورد تحلیل را با نحوه نگارش استاندارد دانشگاهی در آن رشته، با توجه به یافته‌های پژوهش خود آشنا سازد (هایلند، ۱۹۹۶؛ سویلز، ۱۹۹۰؛ باتیا و سلمانی ندوشن، ۲۰۱۵).

هر ژانر ممکن است خود از چندین زیر ژانر (سابژانر یا سوژانر) تشکیل شده باشد که ممکن است شکل فصل، بخش و یا پاراگراف را به خود بگیرند؛ مثلاً یک مقاله قابل چاپ در مجله‌ای تخصصی، خود از چکیده، مقدمه، پیشینه، روش، یافته‌ها، بحث، نتیجه‌گیری، منابع و ضمائم تشکیل می‌شود که هر یک از این‌ها در نوع خود یک سوژانر محسوب می‌شوند. هر سوژانر نیز به نوبه خود، از چندین حرکت پشت سرهم یا لایه‌لایه تشکیل می‌شود. کل حرکت موجود در هر سوژانر اجباری نیست و برخی از آن‌ها قراردادی (یا رایج) و برخی دیگر اختیاری هستند. در به‌کارگیری هر ژانر، فقط می‌توان حرکات اختیاری را از هر سوژانر حذف کرد، اما حرکات اجباری و قراردادی قابل حذف نیستند (یانگ و الیسون، ۲۰۰۳؛ راسمینین، ۲۰۰۶).

به این ترتیب، سوژانرها را می‌توان بلوک‌های سازنده ژانرها دانست و حرکات ساختاری نیز اجزای تشکیل‌دهنده هر سوژانر محسوب می‌شوند. حال این پرسش مطرح است که حرکت

ساختاری چیست؟ اگر آجر واحد سازنده هر ساختمان و اتاق باشد، حرکت ساختاری (یا کوچک‌ترین واحد نقشی) نیز آجر سازنده هر ژانر و سوژانر است (هایلند، ۱۹۹۶؛ سویلز، ۱۹۹۰؛ باتیا و سلمانی ندوشن، ۲۰۱۵). برای مثال، حرکت ساختاری در متون نوشتاری، به مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که نویسنده متن با آگاهی و به صورت نظام‌مند و به‌طور خطی یا زنجیره‌ای انجام می‌دهد تا محصول نهایی نگارش خویش را که همان ژانر باشد، تولید کند (سویلز، ۱۹۹۰). هر حرکت، خود از یک یا چند گام تشکیل شده است. اگر هر ژانر، یک هدف غایی داشته باشد، حرکات به‌کار رفته در ژانر، اهداف جزئی دارند که مجموعه آن‌ها، هدف غایی ژانر را شکل می‌دهند (سویلز، ۱۹۹۰). برای مثال، در نگارش چکیده یک مقاله که خود یک سوژانر (در هر مقاله علمی - پژوهشی) محسوب می‌شود، نویسنده چهار حرکت را به‌ترتیب انجام می‌دهد که عبارت‌اند از: (۱) ورود به موضوع، (۲) بیان روش، (۳) عرضه یافته‌ها و (۴) نتیجه‌گیری (سویلز، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴). هر یک از این حرکات، هدفی جزئی را دنبال می‌کنند، اما مجموع اهداف جزئی منجر به عرضه «خلاصه‌ای از مقاله» می‌شود که هدف کلی چکیده را تأمین می‌کند. در نگارش مقدمه مقالات علمی - پژوهشی نیز نویسنده چند حرکت ساختاری انجام می‌دهد که عبارت‌اند از: (۱) تعیین حوزه، (۲) ارتباط دادن مقاله با حوزه و (۳) بیان طرح و هدف مقاله (سویلز، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴).

هر حرکت نیز ممکن است خود متشکل از یک یا چند گام باشد (سویلز، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴). برخی از حرکات، فقط یک گام دارند ولی برخی حرکات، ممکن است از چندین گام تشکیل شده باشند. تک‌گامی بودن یا چندگامی بودن حرکت، به اندازه و بزرگی سوژانر یا ژانر بستگی دارد؛ مثلاً در چکیده‌نویسی، هر حرکت معمولاً از یک گام تشکیل می‌شود ولی در فصل‌های مختلف یک رساله دکتری، هر حرکت در هر سوژانر، ممکن است از چندین گام گفتمانی تشکیل شده باشد؛ برای مثال، در سوژانر یافته‌های پژوهش در یک مقاله علمی، نویسنده از حرکاتی نظیر بیان مختصر پیشینه، بیان نتایج، خلاصه‌سازی نتایج، بحث نتایج، خلاصه‌سازی پژوهش، ارزیابی پژوهش، و استنتاج از پژوهش می‌پردازد (راسمینین، ۲۰۰۶؛ سلمانی ندوشن، ۲۰۱۲؛ سلمانی ندوشن و خاکباز، ۲۰۱۱). در این بین، هر یک از سه حرکت بحث نتایج، ارزیابی پژوهش، و استنتاج از پژوهش، ممکن است از بیش از یک گام تشکیل شده باشند؛ مثلاً حرکت استنتاج از پژوهش، ممکن است مشتمل بر سه گام (شامل دادن پیشنهادها، توصیه‌هایی برای پژوهش بیشتر و استخراج راهکارهای آموزشی بر اساس پژوهش) باشد (راسمینین، ۲۰۰۶).

به‌طور کلی در هر فعالیت ارتباطی، اعم از نوشتاری یا گفتاری، حرکات به دو دسته تقسیم می‌شوند: کلامی (گفتمانی یا رتوریک) و ساختاری (یا دستوری). حرکات کلامی، ناظر بر هدف یا منطق یا ایدئولوژی مباحثه در هر حرکت هستند که در اغلب موارد، در بافتار گفتمان «مخفی» و «مستتر» است و تحلیل آن را بیشتر، متخصصان حوزه تحلیل انتقادی گفتمان انجام می‌دهند؛ برای مثال، فرض کنیم که در مراسم تشییع پیکر پاپ ژان پل دوم، دو گزارشگر، دو گزارش متفاوت از موضوع درگذشت پاپ داده باشند:

- گزارشگر کاتولیک: امروز در اینجا جمع شده‌ایم که پیکر مردی را تشییع کنیم که الهام‌بخش مؤمنان و خداجویان فراوانی در سراسر جهان بود. (حرکت کلامی = تأیید عملکرد پاپ)

- گزارشگر پروتستان: امروز در اینجا جمع شده‌ایم که پیکر مردی را تشییع کنیم که به‌واسطه مخالفت با روش‌های پیشگیری، موجبات ابتلاء نوزادان بی‌شماری به ایدز را در طول حیات معنوی خویش فراهم آورد. (حرکت کلامی = زیر سؤال بردن عملکرد پاپ)

در مقابل، حرکات ساختاری ناظر بر دستور زبان، گرامر و واژگان یا «توصیفگر» اقدامات عملی انجام‌شده پدیدآورنده متن هستند. حرکات ساختاری، معمولاً تبیین‌کننده نظم و ترتیب ساختاری و اسکلتی هر سوژانر یا ژانر هستند (راسمینین، ۲۰۰۶). علاوه بر آن، حرکات ساختاری معمولاً تبیین‌کننده ساختار نوشتاری هر جمله یا عبارت در هر ژانر یا سوژانر نیز هستند. در حرکات ساختاری، نویسنده دست به انتخاب صحیح واژگان، زمان‌بندی صحیح جملات (از نظر زمان‌های ماضی، مضارع، مستقبل)، انتخاب نوع وجه فعلی (مثلاً وجه تمنایی، وجه التزامی و غیره) می‌زند. در حرکات ساختاری، نویسنده با توجه به رشته علمی که متن برای آن تهیه می‌شود، ملزم به رعایت سبک استاندارد آن رشته (اعم از ای. پی. ای، سی. بی. یی، شیکاگو، ام. ال. ای و غیره) است؛ برای مثال، حرکات ساختاری تشکیل‌دهنده چکیده مقالات علمی - پژوهشی را می‌توان به این شرح خلاصه کرد:

- این پژوهش به منظور تبیین تأثیر «الف» روی «ب» انجام شد. (حرکت = بیان توصیفی مقدمه؛ جمله‌بندی = رسمی و بی طرفانه)

- به این منظور دو گروه آزمودنی، در قالب گروه‌های شاهد و تجربی در یک پیش‌آزمون و یک پس‌آزمون با فاصله زمانی دو هفته شرکت کردند و تنها گروه تجربی در حد فاصل بین دو آزمون، تیمار «الف» را دریافت کرد. (حرکت = بیان توصیفی روش)

- نتایج پژوهش نشان داد که... (حرکت = بیان توصیفی یافته‌ها)

- بر مبنای یافته‌های این پژوهش می‌توان توصیه کرد که... (حرکت = نتیجه‌گیری)
آنچه تا اینجا عرضه شد، نشان می‌دهد که بافتار متن (خواه نوشتاری باشد یا گفتاری یا دیداری یا الکترونیکی)، از قواعد و استانداردهایی پیروی می‌کند که ضروری است نویسندگان متون از آن‌ها آگاهی داشته باشند و آن‌ها را در نگارش متون، به‌کار بندند. چنانچه متون با رعایت استانداردهای ژانری نوشته شوند، درک متون برای خواننده تسهیل می‌شود. در همین راستا و به منظور آشناسازی پژوهشگران فارسی‌زبان حوزه دانشنامه‌نگاری، پژوهش حاضر به استخراج و ارائه اصول ژانری حاکم بر مقالات دانشنامه‌نگاری زبان انگلیسی به منظور به‌کارگیری آن‌ها در زبان فارسی پرداخته است.

۳- روش

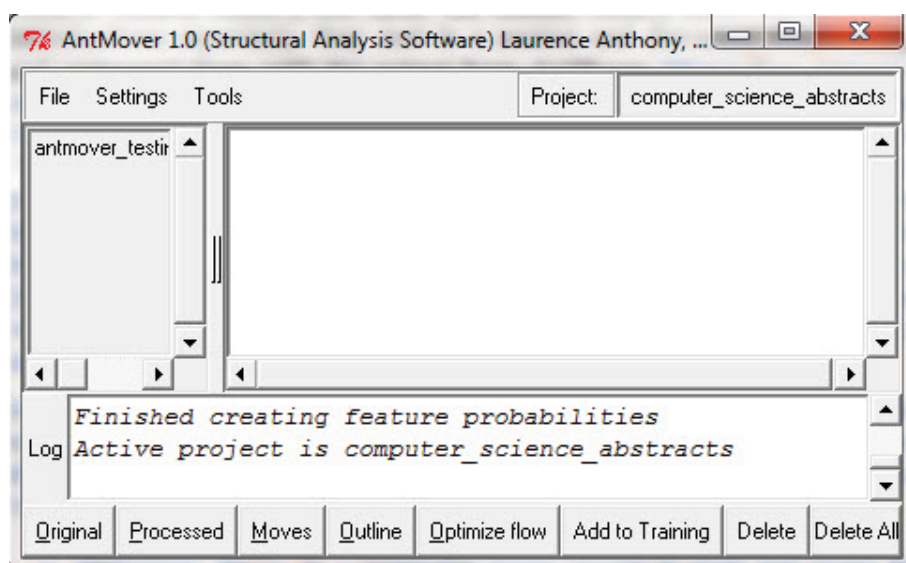
به منظور انجام این پژوهش، ابتدا در طول ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۲ مطالعه‌ای کتابخانه‌ای در خصوص انواع مداخل موجود در دانشنامه‌های تخصصی منتشرشده در سراسر جهان صورت گرفت تا مشخص شود به‌طور کلی چند نوع مداخل دانشنامه‌نگاری قابل تصور است. نتایج این پژوهش کتابخانه‌ای نشان داد که کل مداخل دانشنامه‌نگاری موجود در دانشنامه‌های تخصصی را می‌توان در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

۱) مداخل زندگینامه‌ای: این دسته از مداخل دانشنامه‌نگاری تخصصی، به موضوع زندگی علمی دانشوران هر رشته تخصصی، با تمرکز بر جنبه‌های مرتبط با رشته تخصصی و دستاوردهای علمی این دانشوران می‌پردازد.

۲) مداخل موضوعی: این دسته از مداخل، به توصیف و تشریح موضوعات انتزاعی و غیرانتزاعی (مانند اشیاء، ماشین‌آلات، روش‌ها و غیره) در هر رشته تخصصی می‌پردازند. پس از مشخص شدن انواع کلی مداخل دانشنامه‌نگاری تخصصی، با توجه به جدول استاندارد اندازه نمونه ارائه‌شده از سوی بارتلت، کاتریلیک و هیگینز (۲۰۰۱)، از مجموع بیش از یازده هزار مداخل زندگینامه‌ای و موضوعی موجود در دانشنامه تخصصی ادبیات جهان میریام وبستر (۱۹۹۵)، تعداد ۱۲۰ مداخل موضوعی و ۱۲۰ مداخل زندگینامه‌ای به‌صورت تصادفی انتخاب شد و مورد تحلیل ژانر قرار گرفت. دانشنامه تخصصی ادبیات جهان میریام وبستر، محصول مشترک پژوهشگران و ویراستاران همکار با دو ناشر معتبر علمی جهان، یعنی انتشارات میریام وبستر و مؤسسه دانشنامه بریتانیکاست و در ۱۲۳۶ صفحه و حدود ۱۱۰۰۰ مداخل به‌گرددآوری دانش تخصصی حوزه ادبیات پرداخته است و بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران، اقدام به ترجمه آن

کرده است که دو جلد اول آن (مشمول بر مداخلی که با حروف A تا D شروع می‌شوند) منتشر شده و در بازار کتاب موجود است. در پژوهش حاضر صرفاً از مداخل موجود در متن انگلیسی و اصلی این دانشنامه استفاده شد.

پس از انتخاب نمونه لازم برای تحلیل ژانر، ابتدا کل ۲۴۰ مدخل زندگینامه‌ای و موضوعی انتخاب شده به صورت فایل‌های متنی (تکست) ذخیره شد و سپس هریک از آن‌ها به صورت مجزا در نرم‌افزار اتموور (آنتونی، ۲۰۰۳) وارد شد تا حرکات ساختاری موجود در هر مدخل مشخص شود. این نرم‌افزار را لورنس آنتونی طراحی کرده است و فایل‌های متنی (تکست) ورودی را در چهار وضعیت به کاربر نشان می‌دهد: (۱) متن اولیه بدون هیچ‌گونه تغییر، (۲) متن پردازش شده که به جملات و بخش‌های مشخص تبدیل شده است، (۳) متنی که در آن، حرکات ساختاری موجود در متن با تگ و برچسب مشخص شده است و (۴) نمایش فهرست‌وار ساختار ژانری متن. شکل شماره ۱ رابط کاربری این نرم‌افزار را نشان می‌دهد:



شکل شماره ۱: رابط کاربری نرم‌افزار اتموور (لورنس آنتونی، ۲۰۰۳)

علاوه بر به‌کارگیری این نرم‌افزار، نویسنده حاضر نیز در دو مرحله و با فاصلهٔ زمانی سه هفته، هر یک از مداخل موضوعی و زندگینامه‌ای موجود در نمونه را به صورت دستی نیز مورد تحلیل ژانر و تحلیل حرکات ساختاری قرار داد. به منظور پیشگیری از بروز هرگونه

خطای رندم در روند تحلیل ژانر و حرکات ساختاری، از تکنیک کانتربالانس‌سازی نمونه استفاده شد. ابتدا شصت مدخل زندگینامه‌ای و سپس شصت مدخل موضوعی، در دو روز نخست مرحله اول مورد تحلیل قرار گرفت و در دو روز دوم مرحله اول، برعکس این رویکرد اتخاذ شد و ابتدا شصت مدخل موضوعی باقی‌مانده و سپس شصت مدخل زندگینامه‌ای باقی‌مانده تحلیل شد؛ سپس در فاصله سه هفته بین مرحله اول و دوم تحلیل، هیچ‌گونه اقدامی صورت نگرفت. پس از سه هفته تعلیق پژوهش، مرحله دوم تحلیل آغاز شد و در دو روز نخست، ابتدا شصت مدخل موضوعی و سپس شصت مدخل زندگینامه‌ای تحلیل شد و در دو روز دوم، ابتدا شصت مدخل زندگینامه‌ای باقی‌مانده و سپس شصت مدخل موضوعی باقی‌مانده تحلیل شد.

بسامدهای حرکات ساختاری به‌دست آمده از طریق نرم‌افزار اتموور و نیز بسامدهای به‌دست آمده از طریق تحلیل دستی به صورت داده‌های این پژوهش استفاده شد. به منظور تخمین میزان پایایی داده‌ها، از آزمون آماری ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد و ضریب همبستگی اسپیرمن میان بسامدهای به‌دست آمده از مرحله اول تحلیل دستی، با بسامدهای مرحله دوم تحلیل دستی محاسبه شد. نتیجه این تحلیل، حاکی از وجود ضریب همبستگی ۰/۸۰۴ بود که پایایی بسیار خوبی را نشان می‌دهد. برای تخمین میزان روایی داده‌ها، ضریب همبستگی اسپیرمن موجود بین بسامدهای به‌دست آمده از نرم‌افزار اتموور با میانگین بسامدهای حاصل از دو مرحله تحلیل دستی، محاسبه شد. نتیجه به‌دست آمده، حاکی از وجود ضریب همبستگی ۰/۷۹ بود که پایایی قابل قبولی را نشان می‌دهد.

از چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و الیسون (۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) به‌منظور مشخص کردن سه نوع حرکات ساختاری (یعنی حرکات اجباری، حرکات اختیاری و حرکات معمول) در ژانر دانشنامه‌گی استفاده شد. اگر حرکتی در کل ۱۲۰ مدخل زندگینامه‌ای موجود در نمونه مورد تحلیل (در ۱۰۰٪ نمونه) مشاهده می‌شد، پژوهشگر آن حرکت را در گروه حرکات اجباری قرار می‌داد. برای مداخل موضوعی نیز همین رویه اتخاذ شد. اگر حرکتی در ۶۶٪ الی ۹۹٪ مداخل زندگینامه‌ای موجود در نمونه مشاهده می‌شد، پژوهشگر آن حرکت را در دسته حرکات معمول یا رایج طبقه می‌کرد و همین روند را برای مداخل موضوعی نیز رعایت می‌کرد. به همین منوال، حرکتی که در کمتر از ۶۶٪ مداخل زندگینامه‌ای یا موضوعی موجود در نمونه مشاهده می‌شدند، به عنوان حرکات اختیاری طبقه‌بندی شدند.

۴- یافته‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل ۱۲۰ مدخل زندگینامه‌ای موجود در نمونه مورد تحلیل در این پژوهش نشان داد که سوژانر مداخل زندگینامه‌ای دانشنامه‌های تخصصی شامل حرکات ساختاری زیر است:

۱) ورودیه: حرکت ساختاری اول را می‌توان «ورودیه» یا «ورود به مدخل» نام‌گذاری کرد و شامل گام‌هایی چون ذکر نام، آوانگاری نام، ذکر تاریخ و محل‌های تولد و فوت است. ذکر نام در واقع همان سرواژه است که بخشی از ورودیه را تشکیل می‌دهد. این حرکت در کل مداخل موجود در نمونه پژوهش مشاهده شد. به همین علت این حرکت با توجه به چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و ایسون (۲۰۰۳) از نوع حرکات اجباری است و از همین رو ضروری است که پژوهشگران ایرانی حوزه دانشنامه‌نگاری در نگارش مداخل زندگینامه‌ای، این حرکت ساختاری اجباری را از قلم نیندازند.

۲) تعریف موضوع: حرکت ساختاری دوم به تعریف تخصصی موضوع مدخل، با استفاده از واژگان تخصصی حوزه مربوط می‌پردازد؛ مثلاً منتقد ادبی، پاورقی‌نویس و غیره. این حرکت نیز اجباری است و نمی‌توان آن را از قلم انداخت.

۳) توصیف زمینه خانوادگی: سومین حرکت در مداخل زندگینامه‌ای، به توصیف پیشینه خانوادگی (نام والدین فرد موضوع مدخل، پیشینه خانوادگی آن‌ها و سایر اطلاعات مرتبط با توصیف پیشینه خانوادگی موضوع مدخل) می‌پردازد. این حرکت ساختاری در دانشنامه‌های واژگانی (یعنی دانشنامه‌هایی نظیر دانشنامه ادبیات جهان که هم مداخل موضوعی و هم مداخل زندگینامه‌ای را در خود دارند) از نوع حرکات معمول یا قراردادی یا رایج محسوب می‌شود. این حرکت تنها در ۸۲ مدخل زندگینامه‌ای از مجموع ۱۲۰ مدخل زندگینامه‌ای نمونه، مورد تحلیل در پژوهش حاضر مشاهده شد (در ۶۸/۳۳٪ مداخل). از همین رو این حرکت در این گونه از دانشنامه‌ها، با توجه به چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و ایسون (۲۰۰۳) از نوع حرکات معمول، رایج یا قراردادی است. باید توجه داشت که این حرکت در دانشنامه‌های تک‌نگاشتی (یعنی دانشنامه‌هایی نظیر زندگینامه علمی دانشوران که کل مداخل موجود در آن‌ها از نوع مداخل زندگینامه‌ای است) از نوع حرکات اجباری است.

۴) آوردن جزئیات رزومه‌ای: چهارمین حرکت در مداخل زندگینامه‌ای به جزئیات رزومه‌ای فرد موضوع مدخل (شامل تحصیلات، مشاغل، آثار و همچنین تأثیرات شاخص)

می‌پردازد. معمولاً این حرکت در چند گام انجام می‌شود و هرگام یکی از جنبه‌های روزمه علمی فردِ موضوعِ مدخل را عرضه می‌کند. این حرکت نیز در ۱۰۰٪ نمونه مورد تحلیل مشاهده شد و از همین رو با توجه به چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و الیسون (۲۰۰۳) حرکتی اجباری محسوب می‌شود.

۵) توصیف نقاط ضعف: پنجمین حرکت به ارائه نقاط ضعف فردِ موضوعِ مدخل از نظر علمی می‌پردازد. این حرکت تنها در ۲۷ مدخل از مجموع ۱۲۰ مدخل زندگینامه‌ای موجود در نمونه این پژوهش (یعنی در ۲۲/۵٪ موارد) مشاهده شد و از همین رو در دسته حرکات اختیاری طبقه‌بندی شد. طبیعی است که مداخل دانشنامه‌گی، جای ذکر خوبی‌های افراد است نه جای یادآوری ضعف‌های آن‌ها و طبیعی است که این حرکت اختیاری باشد.

۶) توصیف جنبه‌های شخصیتی: ششمین و آخرین حرکت موجود در مداخل زندگینامه‌ای به توصیف جنبه‌های شخصیتی فردِ موضوعِ مدخل (مثلاً ویژگی‌هایی نظیر درون‌گرایی، برون‌گرایی و...) می‌پردازد. این حرکت نیز تنها در ۴۹ مدخل از مجموع ۱۲۰ مدخل زندگینامه‌ای موجود در نمونه این پژوهش (یعنی در ۴۰/۸۳٪ موارد) مشاهده شد و از همین رو و با توجه به چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و الیسون (۲۰۰۳) در دسته حرکات اختیاری طبقه‌بندی شد.

بنابراین حداقل اطلاعات لازم برای نگارش و تدوین مداخل زندگینامه‌ای در دانشنامه‌های واژگانی، باید حرکات ساختاری ۱ و ۲ و ۴ باشد؛ به عبارت دیگر در هر مدخل زندگینامه‌ای در هر دانشنامه واژگانی، نظیر دانشنامه ادبیات جهان، ضروری است که ورودیه، تعریف موضوع و جزئیات رزومه‌ای فردِ موضوعِ مدخل آورده شود.

Adler \ˈad-lər\, Renata (b. Oct. 19, 1938, Milan, Italy)	حرکت اول
Italian-born American journalist, experimental novelist, and film critic best known for her analytical essays and reviews.	حرکت دوم
Adler was educated at Bryn Mawr College (Pa.), the Sorbonne, and Harvard University. From 1962 to 1968 and from 1970 to 1982 she was a staff writer-reporter for <i>The New Yorker</i> . Essays and reviews she wrote there were collected and published as <i>Toward a Radical Middle: Fourteen Pieces of Reporting and Criticism</i> (1969). From her controversial single-year tenure as film critic for the <i>New York Times</i> came a collection of reviews that was published as <i>A Year in the Dark: Journal of a Film Critic, 1968-69</i> (1970). Adler then turned to writing short stories, some of which were published under the pseudonym Brett Daniels.	حرکت چهارم
Adler reworked previously published short fiction into <i>Speedboat</i> (1976), her first novel. Set mainly in New York City, <i>Speedboat</i> consists mainly of a series of disparate sketches and vignettes. Like <i>Speedboat</i> , Adler's second novel, <i>Pitch Dark</i> (1983), is episodic and nonlinear; critical response to both was mixed.	
Adler also wrote the nonfiction work <i>Reckless Disregard</i> (1986), an investigation into libel suits brought by American and Israeli generals against major American news organizations. In 1988 she published <i>Politics and Media</i> , a collection of essays.	

مثال شماره ۱: نمونه‌ای از مداخل زندگینامه‌ای موجود در دانشنامه‌های واژگانی

منبع: دانشنامه تخصصی ادبیات جهان میریام وبستر (۱۹۹۵، ص. ۱۵)

هرچند دانشنامه‌های تک‌نگاشتی موضوع پژوهش حاضر نبودند، اما به منظور بررسی مشابهت یا تفاوت مداخل زندگینامه‌ای موجود در دانشنامه‌های تک‌نگاشتی (دانشنامه‌هایی نظیر زندگینامه علمی دانشوران که کل مداخل موجود در آن‌ها از نوع مداخل زندگینامه‌ای است) با دانشنامه‌های واژگانی، پژوهشگر حاضر به تحلیل ۳۰ مداخل تصادفی از زندگینامه علمی دانشوران اقدام و مشاهده کرد که در این نوع از دانشنامه‌ها، حرکت ساختاری سوم (یعنی توصیف زمینه خانوادگی فرد موضوع مداخل) نیز علاوه بر حرکات ساختاری ۱ و ۲ و ۴ از نوع حرکات اجباری است. البته این موضوع را باید در پژوهش مستقلی مورد بررسی دقیق‌تر قرار داد که موضوع مقاله دیگری خواهد بود. مثال شماره ۱ به درک بهتر ساختار ژانری مداخل زندگینامه‌ای کمک می‌کند.

علاوه بر ۱۲۰ مدخل زندگینامه‌ای، در پژوهش حاضر ۱۲۰ مدخل موضوعی نیز مورد تحلیل ژانر و تحلیل حرکات ساختاری قرار گرفت. این دسته از مداخل نیز مشتمل بر حرکات ساختاری اجباری، معمول و اختیاری هستند. یافته‌های پژوهش نشان داد که حرکات ساختاری موجود در سوژانر مداخل موضوعی عبارت‌اند از:

(۱) ورودیه: در این حرکت، نویسنده در گام اول، سرواژه را می‌آورد؛ هرچند در برخی از موارد، ممکن است علاوه بر آوردن سرواژه، چند گام دیگر (از جمله آوانگاری سرواژه و به‌دست دادن ریشه شناسی یا اتمولوژی آن) را نیز در حرکت اول بگنجاند. گام اول این حرکت (یعنی آوردن سرواژه) در ۱۰۰٪ مداخل موضوعی موجود در نمونه مورد تحلیل مشاهده شد، اما سایر گام‌ها (یعنی آوانگاری سرواژه و آوردن ریشه‌شناسی یا اتمولوژی آن) تنها در ۱۰۹ مدخل (یا ۹۰/۸۳٪) از مجموع ۱۲۰ مدخل مورد تحلیل مشاهده شد و از همین رو، با اینکه این حرکت، با توجه به چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و الیسون (۲۰۰۳) در دسته حرکات ساختاری اجباری قرار دارد، اما فقط آوردن سرواژه (یا اولین گام این حرکت) اجباری است و سایر گام‌های آن رایج (یا معمول و قراردادی) تلقی می‌شوند. مثال‌های ۲ و ۳ که در پایین آمده است، این مطلب را به‌وضوح نشان می‌دهد.

(۲) به‌دست دادن تعریف موجز: در دومین حرکت ساختاری در مداخل موضوعی، نویسنده تعریف تخصصی موجزی از سرواژه به‌دست می‌دهد؛ این تعریف باید کاملاً تخصصی باشد و به زبان تخصصی رایج در رشته‌ای نوشته شود که مدخل موضوعی به آن رشته مربوط است. این حرکت نیز در ۱۰۰٪ مداخل موضوعی موجود در نمونه مورد تحلیل مشاهده شد و از همین رو و با توجه به چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و الیسون (۲۰۰۳) در دسته حرکات ساختاری اجباری قرار دارد.

(۳) آوردن جزئیات: سومین حرکت ساختاری در سوژانر مداخل موضوعی دانشنامه‌ای عبارت است از بسط دادن تعریف موجز داده‌شده در حرکت دوم؛ به‌گونه‌ای که نویسنده با انجام این حرکت، به توضیح و تشریح جوانب مختلف و اجزاء و مفاهیم موجود در سرواژه می‌پردازد. این حرکت تنها در ۱۰۶ مدخل موضوعی از مجموع ۱۲۰ مدخل موضوعی موجود در نمونه مورد تحلیل در پژوهش حاضر مشاهده شد (در ۸۸/۳۳٪ مداخل). از همین رو این حرکت نیز با توجه به چارچوب پیشنهادی راسمینین (۲۰۰۶) و یانگ و الیسون (۲۰۰۳) از نوع حرکات معمول، رایج یا قراردادی است.

بنابراین به نظر می‌رسد حداقل اطلاعات لازم برای تدوین مداخل موضوعی باید شامل حرکات ۱، ۲ و ۳ باشد. ناگفته نماند که در پژوهش حاضر، حرکت سوم، تنها در درصد ناچیزی از مداخل موضوعی مورد تحلیل (یعنی تنها در ۱۱/۶۷٪ مداخل) مشاهده نشد. مثال‌های ۲ و ۳ نمونه‌هایی از مداخل موضوعی را ارائه می‌کنند.

حرکت اول	حرکت دوم
iambe \ˈvɑːb\ [French, literally, iamb] French satiric verse form consisting of alternating lines of 8 and 12 syllables. Greek writers, especially Archilochus, had used iambs as a vehicle for satire, but the name came into use as a French form in the late 18th and early 19th centuries when André Chénier's <i>Yambes</i> and Auguste Barbier's <i>Les Yambes</i> were published.	حرکت سوم

مثال شماره ۲: مدخل موضوعی واجد گام‌های رایج آوانگاری سرواژه و آوردن ریشه‌شناسی آن
منبع: دانشنامه تخصصی ادبیات جهان میریام وبستر (۱۹۹۵، ص. ۵۷۵)

حرکت اول	حرکت دوم
beast tale A prose or verse narrative similar to the beast fable in that it portrays animal characters acting as humans, but unlike the fable in that it usually lacks a moral. Joel Chandler Harris' <i>Uncle Remus: His Songs and His Sayings</i> (1880) derived many episodes from beast tales carried to the United States by African slaves. <i>Animal Farm</i> (1945), an anti-utopian satire by George Orwell, is a modern adaptation of the beast tale.	حرکت سوم

مثال شماره ۳: مدخل موضوعی فاقد گام‌های رایج آوانگاری سرواژه و آوردن ریشه‌شناسی آن
منبع: دانشنامه تخصصی ادبیات جهان میریام وبستر (۱۹۹۵، ص. ۱۱۵)

به نظر می‌رسد که حرکات ۲ و ۳ در مداخل موضوعی با آنچه بیرجندی، علوی و سلمانی ندوشن (۲۰۰۴) تعریف بسیط (stipulated definition) نامیده‌اند، منطبق باشد.

۵- نتیجه‌گیری

از منظر تحلیل ژانر، مداخل موجود در دانشنامه‌های تخصصی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند، به دو گروه عمده قابل تقسیم هستند: (۱) مداخلی که به زندگی دانشوران می‌پردازند و می‌توان آن‌ها را «مداخل زندگینامه‌ای» نامید و (۲) مداخلی که به مفاهیم و اشیاء و موضوعات انتزاعی یا غیرانتزاعی می‌پردازند و می‌توان آن‌ها را «مداخل موضوعی» نامید. هرچند هدف هر دو نوع از مداخل، عرضه دانش موجود (بیشتر به صورت موجز) است، حرکات و گام‌های ساختاری که در این دو دسته از مداخل دیده می‌شوند، تفاوت‌هایی دارند. ساختار ژانری حرکات و گام‌های ساختاری مداخل موضوعی و زندگینامه‌ای در دانشنامه‌های تکنگاشتی و دانشنامه‌های واژگانی نیز اختلافات جزئی با یکدیگر دارند. در دانشنامه‌های تکنگاشتی (مثلاً دانشنامه‌های کاملاً تخصصی دانشگاهی) که تعداد مداخلشان محدود است و کاملاً بر یک رشته‌ای تخصصی متمرکزند، هر مداخل دانشنامه‌ای، ممکن است شکل مقالات علمی - مروری به خود گیرد و دارای بخش‌هایی باشد که هر بخش یک سوژانر تلقی شوند و مجموع آن‌ها با هم ژانر مقاله دانشنامه‌ای را بسازند. در دانشنامه‌های عام‌تر که به آن‌ها «دانشنامه‌های واژگانی» گفته می‌شود و مداخل کوچک‌تر و پرشمارتری در آن‌ها دیده می‌شود نیز هر مداخل خود یک ژانر تلقی می‌شود. نکته دیگر آنکه در انگلیسی، کل پاراگراف‌ها یا بندهای موجود در هر متن، آن‌گونه که سویلز و فیک (۱۹۹۴) عنوان می‌کنند، در یکی از دو دسته کلی قرار می‌گیرند: (۱) بندهایی که بر اساس تکنیک «پرسش و راه حل» نوشته می‌شوند و (۲) بندهایی که بر اساس تکنیک «کل به جزء» نوشته می‌شوند. با توجه به مداخل تحلیل‌شده برای این مقاله، مداخل دانشنامه‌ای بر اساس روش دوم نوشته می‌شوند. در پایان یادآور می‌شود که مباحثی که در این مقاله آمد، مبتنی بر مداخل محدودی بود که در این مطالعه بررسی شده‌اند و تعمیم یافته‌های این پژوهش، باید با احتیاط صورت گیرد. لازم است پژوهشی گسترده‌تر با حجم نمونه بسیار زیادتری صورت گیرد تا یافته‌های این پژوهش تأیید (یا رد) شوند.

۶- منابع

- Anthony, L. (2003). *AntMover*. Software Retrievable from <http://antpcl.ice.ous.ac.jp/>
- Bartlett, J. E., Kotrlik, J. W., & Higgins, C. C. (2001). Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19(1), 43-50.
- Béjoint, H. (2000). *Modern lexicography*. Oxford: Oxford University Press.

- Bhatia, V. K., & Salmani Nodoushan, M. A. (2015). Genre analysis: The state of the art (An online interview with Vijay Kumar Bhatia). *International Journal of Language Studies*, 9(2), 121-130.
- Birjandi, P., Alavi, S. M., & Salmani Nodoushan, M. A. (2004). *Advanced writing*. Tehran: Zabankadeh publications.
- Devitt, A. J. (2004). *A theory of genre: Writing genres*. Carbondale: Southern Illinois University Press.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Arnold.
- Hyland, K. (1996). Writing without conviction? Hedging in science research articles. *Applied Linguistics*, 17, 433-454.
- Merriam-Webster. (1995). *Merriam-Webster's Encyclopedia of Literature*. New York: Merriam-Webster Inc.
- Miller, C. R. (1994). Rhetorical community: The cultural basis of genre. In A. Freedman & P. Medway (Eds.), *Genre and the New Rhetoric*, (pp. 67-78). London: Taylor and Francis.
- Rasmeenin, C. (2006). *A structural move analysis of MA thesis discussion sections in applied linguistics*. Unpublished MA thesis, Mahidol University.
- Salmani Nodoushan, M. A. (2011). The place of genre analysis in international communication. *International Journal of Language Studies*, 5(1), 63-74.
- Salmani Nodoushan, M. A. (2012). A structural move analysis of discussion sub-genre in applied linguistics. *DacoRomania*, 17(2), 199-212.
- Salmani Nodoushan, M. A., & Khakbaz, N. (2011). Theses 'Discussion' sections: A structural move analysis. *International Journal of Language Studies*, 5(3), 111-132.
- Salmani Nodoushan, M. A., & Montazeran, H. (2012). The book review genre: A structural move analysis. *International Journal of Language Studies*, 6(1), 1-30.
- Smith, C. S. (2003). *Modes of discourse: The local structure of texts*. Cambridge University Press.
- Swales, J. M. (1990). *Genre analysis: English in academic and research settings*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Swales, J. M. (2004). *Research genres: Explorations and applications*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Swales, J. M., & Feak, C. B. (1994). *Academic writing for graduate students: Essential tasks and skills*. Ann Arbor, MI: The University of Michigan Press.
- Yang, R., & Allison, D. (2003). Research articles in applied linguistics: Moving from results to conclusions. *English for Specific Purposes*, 22, 365-385.
- Yang, R., & Allison, D. (2004). Research articles in applied linguistics: Structures from a functional perspective. *English for Specific Purposes*, 23, 264-279.

